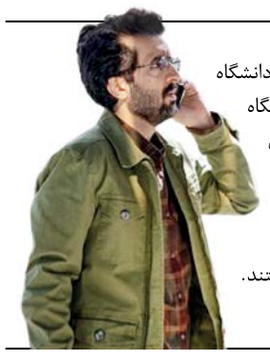
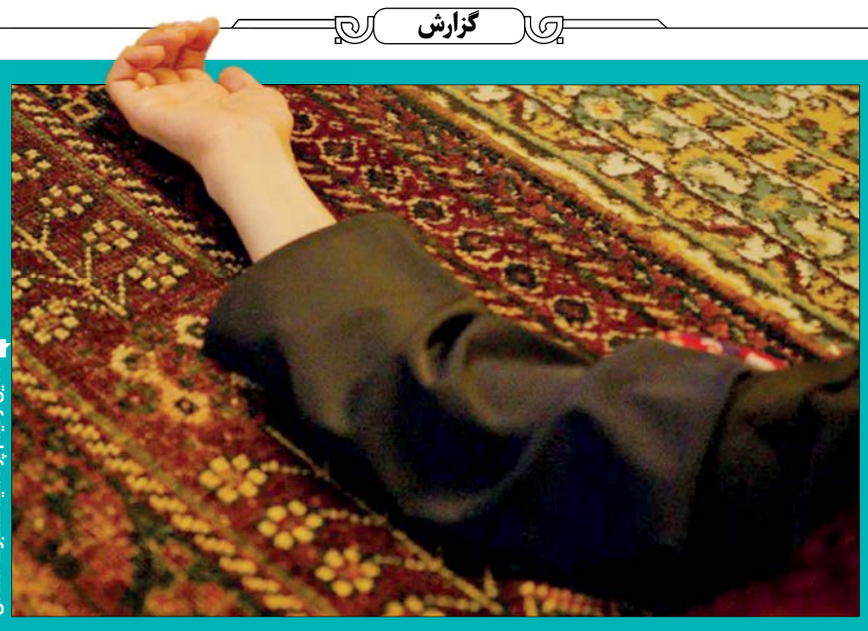
خبر

# «هناس» در ۱۰ دانشگاه کشور افتتاح می‌شود

قبلا گفتیم که فیلم سینمایی «هناس» به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه قرار است از ۱۸خرداد، اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کند. حالا خبر رسیده است این فیلم اکران افتتاحیه جدید و جالب را پیش‌بینی کرده و قرار است اکران افتتاحیه این فیلم در جمع دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شهرستان‌ها باشد. انتخاب دانشگاه و دانشجو برای افتتاحیه هناس با توجه به داستان آن که به ترور شهید داریوش رضایی‌نژاد، از شهدای تروریسته‌ای و نخبگان علمی کشور می‌پردازد، اقدام جالبی است که با تصمیم عوامل قرار است پیش‌ازشروع اکران رسمی در سینماها، به‌دلیل اهمیت وجهه علمی زندگی این شهید، برنامه‌ریزی‌هایی برای نمایش‌های افتتاحیه در دانشگاه‌های تهران و شهرستان‌ها از جمله در دانشگاه محل تحصیل او، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی انجام شود. اکران‌های دانشگاهی این فیلم سینمایی در ۱۰دانشگاه ایران از جمله دانشگاه‌های شاهد، علامه طباطبایی، دانشکده صداوسیما، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه خرم‌آباد، دانشگاه علوم تحقیقات، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه مازندران، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران مرکزطی روزهای مختلف برگزار خواهدشد. هناس، دومین ساخته حسین‌دارابی پس از فیلم سینمایی «مصلحت» است که بهروز شعیبی و مریلا زارعی، دو بازیگر اصلی این فیلم سینمایی را هستند.



گزارش



نمایی از فیلم پرحاشیه عنکبوت مقدس

## توهین فیلم «عنکبوت مقدس» به حرم مطهر رضوی خشم و اعتراض ایرانیان را برانگیخت

# جسارت به ساحت امام مهربانی

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

**جشنواره بین‌المللی فیلم کن به پایان رسید اما حواشی فراوان آن ادامه دارد. همان‌طور که دیروز نوشتیم، این جشنواره با اهدای یکی از جایزه‌های اصلی خود به زهرا امیرابراهیمی، بازیگر ایرانی مقیم خارج از کشور برای بازی در فیلم «عنکبوت مقدس» اعتبار هنری و فرهنگی خود را به چالش کشید اما جای این سؤال همچنان باقی است که واقعا چرا یک بازیگر بدون سابقه و کارنامه هنری جدی، در جشنواره‌ای که در آن بسیاری از بزرگان سینما جایزه گرفته‌اند، یک جایزه مهم و اصلی را می‌گیرد؟ آیا واقعا کن و هیأت داوران آن که شامل چهره‌هایی از سینماگران نامدار جهان است، تفاوت میان یک بازیگر مبتدی و یک بازیگر حرفه‌ای در سطح بین‌المللی را نمی‌داند؟**

«عنکبوت مقدس» محصول مشترک دانمارک، آلمان، سوئد و فرانسه است و همان‌طور که قبلا گفتیم سوژه اصلی فیلم درباره ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای یک فرد در شهر مشهد است. ماجرای سعید حنایی قبلا سوژه تولید هم فیلم مستند و هم فیلم داستانی در ایران شده بود اما فیلمی که علی عباسی، فیلمساز دوتابعیتی آن را ساخته، به شکلی عمدی و پررنگ در واقعیت دست برده است. اگرچه هنوز این فیلم در ایران و کشورهای دیگر نمایش داده نشده ولی منتقدان و خبرنگاران ایرانی که فیلم را در کن دیده‌اند، به ضعف‌های فیلم اشاره کرده‌اند. اصولا فیلم از نظر سینمایی در حدی نیست که در بخش اصلی کن و برای دریافت نخل طلا رقابت کند و به‌همین‌دلیل نمایش آن در جشنواره کن سؤال‌برانگیز است. نمای ورودی فیلم که در تیتراژ، نام آن را می‌بینیم، با نمایی باز از شهر مشهد در شب آغاز می‌شود. نام فیلم یعنی عنکبوت مقدس روی تصویر مشهد با مرکزیت حرم مطهر امام‌رضا(ع) نمایش داده می‌شود و همین نمای اهانت‌آمیز در تیزر رسمی این فیلم منتشرشده و به پوستر این فیلم در فضای مجازی نیز تبدیل شده است.

به عبارت دیگر، فیلمساز به شکلی عامدانه صحنه را به گونه‌ای طراحی کرده است که فضای شهر در شب، به یک تار عنکبوت گسترده شبیه شده است و در مرکز این تار گسترده، حرم مطهر قرار دارد و قرارگرفتن نام فیلم به معنای شیطانی مورد اشاره فیلمساز کمک کرده است. در فیلم، کارگردان به‌صورت عامدانه چندین بار از نمادهای مذهبی استفاده کرده است. قاتل به حرم می‌رود. قاضی دادگاه که فرد صالحی هم نیست، روحانی است و قاتل شیطان‌صفت که نقش او را مهدی بجستانی بازی می‌کند، چهره‌ای به‌شدت مذهبی دارد. هدف‌گیری اصلی فیلم، افراد مذهبی جامعه است و فیلم سعی دارد این قشر را خشک‌مغز، متعصب و بی‌منطق جلوه دهد. چهره مثبت و قهرمان فیلم، خبرنگاری است که زهرا امیرابراهیمی نقش او را بازی می‌کند؛ شخصیتی که به اجبار چادر به سر می‌کند و در کشوری که همه مردانش به زنان نگاه نادرست و غرض‌آلودی دارند، زندگی می‌کند.

### مشهد، هدف اصلی

اما چرا مشهد برای این فیلم انتخاب شده است؟ ممکن است گفته شود اتفاق اصلی در مشهد روی داده و طبیعی است که محوریت داستان در مشهد باشد. این درست است اما کارگردان به واقعیت‌های داستان پایبند نبوده است، به‌همین‌دلیل می‌توانست اصلا محل روی‌دادن اتفاقات را شهر دیگری انتخاب کند (خود او هم در نشست خبری‌اش تأکید کرد این فیلم داستان زندگی سعید حنایی نیست و به بازگویی واقعیت‌های روی‌داده، پایبند نبوده است). آنهایی که مشهد را می‌شناسند و پرونده سعید حنایی را به یاد دارند، می‌دانند او در حول‌وحوش محله خین‌عرب مشهد زندگی می‌کرد و قتل‌هایی که مرتکب می‌شد در محدوده‌ای از شهر مشهد بود که هیچ ارتباطی با حرم مطهر رضوی ندارد. منتقل‌کردن مرکزیت داستان به مرکزیت جغرافیایی و معنوی شهر مشهد با هدف ایجاد یک انتقال معنایی و استفاده ازنوعی مجاز مرسل تصویری است. فیلمساز ازنوعی تداعی معانی ساده‌سازی‌شده استفاده می‌کند. قتل‌ها در مشهد اتفاق افتاده است. قتل‌ها را آدم‌های مذهبی انجام داده‌اند. مرکز شهر مشهد، حرم است و آدم‌های مذهبی هم همیشه برای هر کاری (حتی شروع به قتل) به حرم می‌روند. پس حرم (زبانمان لال!) مرکز صدور و ترویج خشونت در مشهد و باز در زبانی استعاری ایران است. منطق کارگردان، منطق همان کسانی است که در سوئد، قرآن را می‌سوزانند و در اروپا به پیامبر اعظم(ص) توهین می‌کنند. منطق برابرنهادن مذهب با خشونت و قتل.

البته که در این برابرنهادن، کارگردان از پیش شکست خورده است. واقعیت این است که ممکن است یک اروپایی ناآگاه از فضای فکری و احساسی مردم ایران، این ساده‌سازی‌های معنایی را باور کند اما هیچ ایرانی‌ای حتی ایرانیان غیرمسلمان، حرم مطهر امام‌رئوف(ع) را مرکز خشونت و نفرت‌پراکنی نمی‌داند. امام‌رضا(ع) برای ایرانیان نماد مهر، رأفت و احساسات لطیف و عمیق معنوی است. حتی کسانی که ممکن است علقه‌های مذهبی شدید نداشته باشند، مشهد را و حرم را و امام‌رضا(ع) را از ته دل، عمق جان و نسل در نسل دوست داشته و دارند، به او متوسل می‌شوند و آقای غریب، ضامن آهویشان بوده و خواهد بود.

اتفاقا نگاه اصلی که پشت ساخت این‌چنین آثار موهنی است، هدف اصلی خود را خوب انتخاب کرده است. نمادی مذهبی که وحدت‌آفرین است. جایی که مذهب، با احساسات لطیف انسانی و عشقی الهی گره خورده است و دیگر دعواهای جناحی، قومی و قبیله‌ای در آن رنگ می‌بازد. باید این مرکز و این نماد را زد و البته که خداوند مکر ماکران را به خودشان بازخواهد گرداند.

### سکوت جایز نیست

خوشبختانه در پی اقدام موهن و سیاسی جشنواره فیلم کن در توجه به فیلم «عنکبوت مقدس» و جریحه‌دار شدن باورها و اعتقادات شیعیان جهان، مقامات رسمی کشور و به‌خصوص سازمان سینمایی ساکت ننشستند و این سازمان در این خصوص بیانیه‌ای صادر کرد.

این بیانیه با اشاره به ارائه چهره‌ای مخدوش از جامعه ایرانی و توهین آشکار به باورهای متعالی شیعیان در این جشنواره، ضمن محکومیت اقدام جشنواره مذکور و اعلام برائت خود و سینماگران از عوامل این اثر سیاه تصویری بر این نکته تاکید شده است که فرانسه و جشنواره فیلم کن باید نسبت به احساسات جریحه‌دار شده میلیون‌ها شیعه مسلمان در جهان پاسخگو باشند و این لکه ننگ ضدفرهنگی را از کارنامه حرفه‌ای خود بزدایند.

دیروز همچنین روحا... سهرابی یکی از مدیران ارشد این سازمان با تأکید بر این‌که سازنده فیلم «عنبکوت مقدس» بدون هرگونه مجوز و هماهنگی با مسؤولان سینمایی کشور اقدام به تهیه و تولید فیلم خود در خارج از کشور و با سرمایه خارجی کرده است، گفت: آنچه با موضوع قاتل زنجیره‌ای در داخل کشور تولید شد، فیلم سینمایی «عنکبوت» است که چندی پیش در سینماها اکران شد و رویکرد و مضمون و پیام فیلم هیچ‌گونه تشابهی با فیلم موهن و غرض‌آلود عنکبوت مقدس ندارد. حتی کارگردان فیلم عنکبوت نسبت به سوءاستفاده و برداشت بدون اجازه از نام و متن و فضای فیلمنامه‌اش توسط نویسنده و کارگردان دانمارکی- ایرانی‌الاصل فیلم «عنکبوت مقدس» موضع صریح و مشخصی گرفت که اهالی سینما و به‌نظرم اکثریت علاقه‌مندان آثار سینمای ایران در جریان این اعتراض و شکایت قرار گرفتند.

مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی با بیان این‌که خروجی فیلم «عنکبوت مقدس» بیش از هر چیز، اسلام‌هراسی و ایران‌ستیزی است، تصریح کرد: تعجب می‌کنم چگونه برخی افراد که بین آنها افراد خاص و نام‌آشنا هم دیده می‌شود، بخش بسیار پررنگ و کاملا هدفمند این جشنواره به‌شدت سیاسی را نادیده گرفته و شیفته پوسته ظاهری آن می‌شوند. آنچه در جشنواره کن اتفاق می‌افتد معادله پیچیده و لاینحلی نیست و با یک بررسی ساده می‌توان به نیت اصلی و هدف‌گذاری آنها پی‌برد. بعید می‌دانم نقطه هدف «عنکبوت مقدس» فقط جمهوری اسلامی باشد بلکه به اعتقاد بنده هدف آن وسیع‌تر و در یک کلام اسلام است و ساختن چهره‌ای هیولایی و اهریمنی از مسلمانان و در رأس آنها ایران و ایرانی است.

زوم

# فرش قرمز اصلاح‌طلبان برای «عنکبوت مقدس»

اصلاح‌طلبان همیشه مدعی بوده‌اند که عقبه و ریشه‌ای مذهبی دارند و بر سر اصولی مانند دین و میهن، هیچگاه حاضر به معامله و پا پس کشیدن نیستند اما این ادعا بارها در عرصه عمل، دروغ از آب درآمده است؛ تازه‌ترین نمونه آن، فیلم موهن «عنکبوت مقدس» است که باورهای شیعی و هویت ملی ایرانیان را به صورتی مشمئزکننده هدف قرار داده است. گروهی از فعالان اصلاح‌طلب، بدون اشاره به محتوای این فیلم، سعی در تصویرسازی مثبت از این فیلم، به بهانه اهدای جایزه نخل طلا به زهرا امیرابراهیمی دارند و در تلاشند این بازیگر را به نمادی از یک زن موفق ایرانی تبدیل کنند. آنها با اطلاع از سابقه این بازیگر که به دلیل مسائل غیراخلاقی مجبور به ترک کشور شد، سعی دارند او را در آنچه بروی رفته است، بیگناه و مظلوم جلوه دهند و مدعی شوند این بازیگر با تلاش و پیگیری توانسته درهای موفقیت را روی خود باز کند. این در حالی است که اصولا جایزه‌ای که به امیرابراهیمی داده شد، بخشی از یک پروژه سیاسی برای سیاه‌نمایی و خشن نشان دادن ایران و اسلام است.

از جمله کسانی که در این زمینه با انتشار توئیت‌هایی سعی در مثبت نشان دادن چهره این بازیگر و تمجید از تلاش او برای تبدیل شدن به یک بازیگر سطح اول جهان داشته‌اند، می‌توان به آذر منصوری دبیرکل حزب اتحاد ملت و محمدعلی ابطحی از مسؤولان سطح اول دولت اصلاحات اشاره کرد. آذر منصوری، دبیرکل حزب اتحاد ملت در توییتی نوشته است: «زهرا امیرابراهیمی از خاکستر خود برخاست و امروز مزدش را گرفت. مبارکش باشد جشنواره فیلم کن.»

همچنین «محمدعلی ابطحی» رئیس دفتر




خاتمی در دولت اصلاحات در توییتی نوشت: «زهرا امیرابراهیمی نشان داد که وقتی مشکلی در زندگی، زمینت می‌زند می‌شود دوباره بلند شد و به قله رسید. مبارک خودش و مبارک هرافتاده‌ای که به راه می‌زند.» جالب اینجاست که وقتی این چهره‌ها در برابر اعتراض فعالان رسانه‌ای و کاربران فضای مجازی قرار گرفتند، با استفاده از صنعت تجاهل‌العارف سعی کردند از محتوای فیلم ابراز بی‌اطلاعی کنند.

این ادعا قطعا پذیرفته نیست. بعید است آنان تیزر این فیلم را در فضای مجازی ندیده باشند یا مطلب سایت بی بی سی فارسی را که مرجع همیشگی اطلاح‌طلبان است، نخوانده باشند. برای اطلاع این دوستان که همیشه در مواقع لازم خود را به ندیدن و نشنیدن می‌زنند، بخش‌هایی از این مطلب را که به قلم محمد عبدی منتقد سینما نگاشته شده‌است، مرور می‌کنیم: «بازسازی جزء به جزء و حساب شده مشهد که تقریبا در همه صحنه‌ها تماشاگر را در فضایی که خلق کرده شریک می‌کند و مانع از فاصله احساسی ناخواسته تماشاگر (به دلیل محیط ناآشنا و غیرقابل باور) می‌شود... نمایش عبادت در کنار جنایت- و همین طور اشاره‌های آشکار به سابقه قاتل در جبهه و حمایت ضمنی از او از درون حکومت، لایه‌های مختلفی را به اثر می‌افزاید و آن را به شکل جذابی، محلی و بومی می‌کند، گویی که فیلم نمی‌تواند در هیچ جای دیگری به‌جز مشهد مقدس اتفاق بیفتد و فیلمساز ابایی ندارد این تقدس را به زیر سوال ببرد».

دوستان اصلاح‌طلب بهتر است هرچه زودتر دامن خود را در حمایت از این فیلم رسوا و موهن، پاک کنند چرا که ادعاهای کودکانه درباره این‌که مضمون فیلم را نمی‌دانند، دیگر پذیرفته نیست.

خبر روز

# سوءاستفاده از نام سینماگران در یک بیانیه ضد امنیتی

صدور یک بیانیه عجیب و غریب با امضای تعدادی از دست‌اندرکاران سینمای ایران در واکنش به حادثه دلخراش ساختمان متروپل آبادان، نشان دهنده یک خط برنامه‌ریزی شده برای وارد کردن چهره‌های فرهنگی و هنری به یک بازی امنیتی و خطرناک است.

در این بیانیه، با استفاده از جملات چندپهلو و به جای تمرکز بر مطالبه اصلی مردم برای محاکمه عاملان ساخت این ساختمان غیراستاندارد، با هدف پنهان کردن مقصران اصلی و خارج کردن مطالبات به حق و قانونی مردم آبادان و ایران در مقابله با کسانی است که در دولت قبل با استفاده از رانت و ویژه‌خواری، مصیبت را بر سر مردم آوار کرده‌اند؛ نیروهای حافظ امنیت مردم هدف قرار گرفته‌اند.

این درحالی است که چگونگی امضا گرفتن از افراد و انتشار اسامی آنان، نشان دهنده این است که در پشت این بیانیه، بی‌صداقتی و اهدافی فراتر از همدردی با مردم آبادان قرار دارد. تشکیل یک گروه واتس‌آپی و امضا گرفتن از افراد برای تدوین متنی که در آن حادثه فروریختن متروپل به بازماندگان تسلیت گفته و با مردم آبادان همدردی شود، نقطه آغاز ماجراست اما بعد این مسیر به سمت تدوین یک متن مشوق آشوب و اقدامات ضد امنیتی پیش رفته است. این درحالی است که امضاکنندگان اغلب از محتوای تند نامه اطلاعی نداشته‌اند.

برخی از کسانی که در این بیانیه از نام آنها استفاده شده است، به دنبال انتشار این متن با پی بردن به اهداف وانگیزه درونی و پشت پرده این بیانیه سیاسی از طریق تماس با برخی رسانه‌ها، ضمن ابراز برائت از این متن ساختارشکنانه، امضاهایشان را پس گرفتند. داریوش یاری در گفت‌وگو با مهر ضمن تکذیب امضای این بیانیه گفت: من این بیانیه و روح حاکم بر آن را قبول ندارم من این را باور ندارم که نیروهای مسلح در برابر مردم ایستاده باشند و در نتیجه این بیانیه را قبول ندارم.

### حرکت خزنده در پوشش سینما

اسماعیل فلاح‌پور کارگردان سینما نیز با بیان این‌که قصد من، همراهی و همدردی با مردم آبادان بود، گفت: چون یکی سری از دوستان هم بودند که امضا کرده بودند فکر می‌کردم در این مسیر حرکت می‌کنیم اما متاسفانه شکل دیگری پیدا کرد. متن بیانیه را کامل نخوانده بودم و امضای من فقط در جهت همدردی با مردم عزیز آبادان بود که دینی به گردن مردم بابت سال‌ها جنگ و اتفاقاتی دارند که همه ما از سر گذراندیم و آنها بیش‌تر. ما همیشه مدیون این مردم و آن سال‌ها هستیم و اتفاقاتی که افتاده هم یادمان نمی‌رود.

فکر می‌کردم کسانی که امضا کرده‌اند مطلب را می‌دانند چیست. در چنین شرایطی باید هوشیار بود. مساله من فقط همدردی با مردم داغدیده آبادان بود. تصویرپدری که فرزندش را برای نجات می‌برد اتفاقی بود که بعدا این مساله را مطرح کردند که همدردی می‌کنید یا نه. آنقدر بعد از دیدن این فیلم آسیب دیدم که تلخ بود و من هم گفتم همدردی می‌کنم.

همچنین عبدا... باکیده کارگردان مطرح سینما که نام او نیز به عنوان یکی از امضاکنندگان نامه آمده عنوان کرد این متن مورد تایید وی نیست و تنها بحث همدردی با داغ‌دیدگان آبادان بوده نه چنین متنی!

به نظر می‌رسد با توجه به این‌که برخی چهره‌های معلوم‌الحال که پیش از این در دادگاه‌های صالحه محکوم شده بودند جزو امضاکنندگان این بیانیه هستند و با توجه به سوءاستفاده صورت گرفته از افراد مطرح سینمایی، لازم است دستگاه‌های قضایی و نظارتی به ماجرای حرکت خزنده شبه‌براندازان در پوشش سینما ورود کنند.

سینمای جهان

# شورش دهقانی علیه بریتانیا

پل گرینگراس فیلمساز غیرمتعارف انگلیسی که با ساخته‌هایش دولتمردان انگلیس را به چالش می‌طلبد، در فیلم تازه‌ای که جلوی دوربین می‌برد قیام و انقلاب دهقانان انگلیسی را به تصویر می‌کشد. این درام دوره‌ای تاریخی که با نام «نقاب» جلوی دوربین می رود، مجموعه قیام‌های دهقانی سال ۱۳۸۱ کشور انگلستان و برخورد خشونت‌آمیز امپراطوری بریتانیا با این قیام‌ها را سوژه داستان خود کرده است. تاریخ‌نویسان از این قیام‌ها با نام‌های «شورش‌های بزرگ» و «قیام وات تیلور» اسم برده‌اند. این قیام‌ها با سرکوب سخت حکومت همراه بود اما باعث تقویت روحیه دهقانان بقیه کشورهای اروپایی هم شد و زمینه قیام‌های سراسری قاره اروپا را فراهم کرد.

فیلمنامه نقاب را خود گرینگراس نوشته و از جزئیات آن کسی اطلاع ندارد. با این حال، تحلیل‌گران سینمایی می‌گویند این درام تاریخی هم مثل ساخته‌های قبلی فیلمساز سمت و سویی افشاگرانه و ضد دولتی خواهد داشت. این در شرایطی است که گرینگراس اعلام کرده گرچه داستان فیلم در گذشته‌ای بسیار دور اتفاق می‌افتد اما حال و هوایی امروزی خواهد داشت و مسائل و مشکلات زمان معاصر را هم در دل خود دارد. به گفته گرینگراس: «با طرح داستان‌های تاریخی می‌توان درباره مسائل روز هم صحبت کرد. جامعه انگلستان امروز هم با همان مشکلاتی روبه‌روست که چند قرن قبل دهقانان کشور با آن روبه‌رو بودند. مبارزه علیه ظلم و ستم و حق‌کشی در طول تاریخ ادامه داشته و مردم عادی علیه زورگویی دولتی‌ها مقاومت کرده‌اند.»

نزدیکان فیلمساز گفته‌اند بندیکت کامبربچ نقش اصلی نقاب را بازی می‌کند؛ کشاورز ساده و ستم دیده‌ای که در قیام، وظیفه رهبری و هدایت دهقانان را به عهده دارد. فیلمنامه فیلم داستان انقلابی و عدالت‌خواهانه خود را به زبانی اکشن و سرگرم‌کننده تعریف خواهد کرد. گفته می‌شود نقاب، حال و هوایی شبیه «گلادیاتور» و «شجاع دل» خواهد داشت. تماشاگران سینما قبل از این درام‌های افشاگرانه و سیاسی موفقی چون مجموعه «بورن» و «اتحاد ۹۳» را از گرینگراس دیده‌اند که در نقد سیاست‌های ارتجاعی دولتمردان انگلیسی و فساد موجود در بین سیاستمداران و سازمان‌های جاسوسی بوده است. / اسکرین اینترنشنال



# تصویری عریان از دوران ریگان

شعار تبلیغاتی انتخاباتی «حرص و طمع خوب است» رونالد ریگان که بعدها توسط دونالد ترامپ هم پی گرفته شد، در یک فیلم افشاگرانه تازه سینمایی به بحث گذاشته می‌شود. «زمان آرماگدون» کار تازه جیمز گری، فیلمساز مستقل سینما درامی سیاسی و افشاگرانه است که با نگاهی به خاطرات دوران نوجوانی و جوانی خود او ساخته شده است. به این ترتیب، فیلمنامه اصیل و غیراقتباسی «گری» تماشاگرانش را به اوایل دهه هشتاد میلادی که جنگ افروز گاوچرانی مثل ریگان در کاخ ریاست جمهوری نشسته بود، می‌برد تا آنها را با گوشه‌هایی از سیاست پشت پرده کاخ سفید و سیاستمداران دورو آشنا کند. بنکر ریتا در نقش شخصیت اصلی فیلم به نام پل، جوانی است که در شهر نیویورک زندگی می‌کند و تلاش دارد با ورود به دانشگاه، آینده خوبی برای خود رقم زند.

او در همان دانشگاهی مشغول تحصیل می‌شود که دونالد ترامپ هم در آنجا دانشجوی طرفدار سرسخت ریگان و سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش است. پل خیلی زود متوجه جاه‌طلبی‌های سیاسی و اقتصادی ترامپ جوان می‌شود و به کارزار ضد جنگی می‌پیوندد که ترامپ و همفکرانش را در دانشگاه نشانه گرفته است. آن هاتاوی و جیمز استرانگ نقش پدر و مادر پل را در این فیلم بازی می‌کنند و آنتونی هاپکینز هم در نقش پدربزرگ صلح‌طلب و ضدجنگ اوست. جیمز گری در رابطه با ساخت درام افشاگرانه‌اش به اسکرین‌دیلی گفته احساس می‌کند تاریخ دوباره در حال تکرار است و او به عنوان یک هنرمند وظیفه دارد واقعیت‌های دهه ۸۰ میلادی و سیاست‌های ارتجاعی ریگان و همدستانش را به اطلاع نسل جوان برساند. به باور فیلمساز، ترامپ که در حال آماده کردن خودش برای ورود دوباره به کاخ سفید است، دنبال‌کننده همان سیاست‌های غلطی است که باعث تیره‌بختی مردم عادی کشور در دوران ریاست جمهوری ریگان شد. / اسکرین دیلی

